



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



حدیث اہلیت
علیہم السلام

زندگینامہ و مصائب

چہارده معصوم
علیہم السلام

ید اللہ بہتاش



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حدیث اهل بیت : زندگینامه و مصائب چهارده معصوم علیهم السلام قسمت مربوط به امام سجاد علیه السلام

نویسنده:

یدالله بهتاش

ناشر چاپی:

سبحان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	حدیث اهل بیت : زندگینامه و مصائب چهارده معصوم علیهم السلام قسمت مربوط به امام سجاد علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	مختصری از زندگینامه‌ی امام سجاد علیه السلام
۷	در ولادت و مدح امام سجاد علیه السلام
۷	رهبر خیل مؤمنین آمد
۷	آنچه اجداد تو دارند
۷	کرامات و معجزاتی از امام سجاد علیه السلام
۷	معجزه‌ی حضرت سجاد درباره‌ی مرد بلخی
۹	گریه‌ی امام سجاد
۹	وفات امام سجاد
۹	وصیت امام سجاد به امام باقر
۱۰	تشییع جنازه‌ی آن بزرگوار
۱۰	مرثیه
۱۰	ناقه‌ی حضرت امام زین‌العابدین
۱۰	ثواب زیارت امام زین‌العابدین
۱۰	طیب خلق
۱۱	احادیثی از امام سجاد علیه السلام
۱۱	پاورقی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حدیث اهل بیت : زندگینامه و مصائب چهارده معصوم علیهم السلام قسمت مربوط به امام سجاد علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : بهتاش، یدالله، ۱۳۲۹ -

عنوان و نام پدیدآور : حدیث اهل بیت : زندگینامه و مصائب چهارده معصوم علیهم السلام / تهیه و تدوین یدالله بهتاش.

مشخصات نشر : تهران : سبحان ، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری : ۳۹۹ ص.

شابک : ۱-۳۵-۵۹۷۸-۹۶۴ ؛ ۱۳۰۰۰ ریال (شومیز) ؛ ۱۶۰۰۰ ریال (گالینگور) ؛ ۲۵۰۰۰ ریال (چاپ چهارم ؛ زرکوب) ؛ ۲۰۰۰۰

ریال (چاپ چهارم ؛ شومیز) ؛ ۳۰۰۰۰ ریال (چاپ پنجم: ۱۳۸۶).

یادداشت : چاپ قبلی: موسسه خدمات فرهنگی ۲۲ بهمن، ۱۳۷۷.

یادداشت : چاپ چهارم : ۱۳۸۴.

یادداشت : چاپ پنجم: ۱۳۸۶.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۳۹۷ - ۳۹۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : چهارده معصوم -- سرگذشتنامه

موضوع : چهارده معصوم -- سوگواری‌ها

رده بندی کنگره : BP۳۶/ب۸۲ح۴ ۱۳۸۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۱-۱۳۹۷۹

مختصری از زندگینامه‌ی امام سجاد علیه السلام

حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام در پنجم شعبان سال سی و هشت هجری در مدینه به دنیا آمد. پدرش حضرت امام حسین علیه‌السلام و مادرش شهربانو دختر یزدگرد است که دست قدرت خداوند او را از ایران دست به دست به مدینه رسانید و در تقسیم غنایم سهم امیرالمؤمنین علیه‌السلام شد و آن حضرت هم شهربانو را با موافقت خودش و انتخاب او به امام حسین علیه‌السلام تزویج فرمود. نام مبارکش علی و کنیه و القابش عبارتند از: زین‌العابدین، زین‌الصالحین، وارث علم النبیین، المجتهد الزکی، الامین، الزاهد العابد، العدل، البکاء، السجاده... امام زین‌العابدین علیه‌السلام در حلم و علم و عفو و اغماض و جود و بخشش بین فضایل جدش و عموی و پدرش را جمع کرده و مظهر لطف و بردباری و گذشت و فداکاری بوده است. آثار دین‌پروری و کرامت از جینش [صفحه ۱۷۸] ساطع و لایع بود. سنن نبوت از حرکاتش ظاهر می‌شد و سیره‌ی رسالت از کردار و گفتارش آشکار می‌گشت. در حسن و اخلاق و مماشات با خلق خدا بی‌نظیر و متواضع بود. فصاحت و بلاغت حسینی از الفاظ و کلماتش هویدا می‌شد. زندگانی حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام به دو قسمت تقسیم می‌شود: یک قسمت در زمان پدر تا واقعه‌ی عاشورا، و قسمت دیگر از عاشورا تا آخر عمر. در بیست و سه سال اول با کمال آرامش و عزت و سرور و نشاط، مفاخر علمی و شرفی خود را بروز می‌داد و در سی و پنج سال دوم همواره دمساز با حزن و گریه و یادآوری خاطرات غم‌انگیز عاشورا بود که خود به چشم خویش دیده و عمق فاجعه را با تمام وجود احساس کرده بود و مسئولیت مستقیم داشت تا علل قیام امام حسین علیه‌السلام و خرابی اوضاع جامعه و جنایات بنی‌امیه و آل مروان را برای مردم روشن سازد. این قسمت حساس‌ترین مراحل زندگانی آن بزرگوار است. در این روزگار

بود که، در قالب الفاظ ادعیه و اذکار، حقایق را به مردم می‌آموخت تا از وقایع گذشته مطلع شوند و بر آینده واقف گردند و در عین حال به خدا پناه برند و صراط مستقیم و راه صلاح و صواب را از ائمه‌ی دین و اهل بیت عترت و طهارت فراگیرند. بزرگترین اثر تاریخی و فرهنگی و عرفانی آن حضرت صحیفه‌ی سجادیه است. امام سجاد علیه السلام بنا بر روایات در ۱۲ یا ۲۵ محرم سال ۹۴ یا ۹۵ هجری در پنجاه و شش سالگی به دست هشام بن عبدالملک به شهادت رسید و مدفن آن بزرگوار در قبرستان بقیع است. حضرت در زمان شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام جد بزرگوارش دو سال و چهار ماه و شش روز، به هنگام شهادت امام حسن علیه السلام یازده سال و نه ماه و پانزده روز و در موقع شهادت پدر بزرگوارش بیست و دو سال و هفت ماه و بیست و پنج روز سن داشت و پس از شهادت امام حسین علیه السلام مدت امامت آن بزرگوار سی و چهار سال و پانزده روز بود. [صفحه ۱۷۹]

در ولادت و مدح امام سجاد علیه السلام

رهبر خیل مؤمنین آمد

شکر الله ولی دین آمد حضرت زین العابدین آمد زین عباد و سید سجاد وصی خیر مرسلین آمد پنجمین روز از مه شعبان فخر طاها و یاء و سین آمد ششمین شاهکار خلقت حق رهبر پاک چهارمین آمد هشت دوزخ و راهی گردید هشت جنت و راهین آمد رشته‌های ولایتش بی شک حصن‌هایی همه حصین آمد تا که بر حضرتش سلام کنند از ملانک سفیر سین آمد مژده‌ای ده به دخت ساسانی که تو را گوهری ثمین آمد شهربانو عروس فاطمه شد که از او رکن چهارمین آمد فخر ایرانی افتخار عرب رهبر خیل مؤمنین آمد فرش را این زمان تعادل نیست زینت عرش بر زمین آمد حلقه‌ی بندگان مخلص را زین عباد چون نگین آمد [صفحه ۱۸۰] نهضت کربلا ز خطبه‌ی او پا به جا تا به یوم دین آمد با چنین مدح «ابن آهی» را از ملک بانگ آفرین آمد

آنچه اجداد تو دارند

ای که در زهد و ورع رتبه‌ی والا داری لقب سید سجاد ز یکتا داری چون که در سجده به درگاه خدا روی کنی قدسیان را همه انگشت به لب واداری صاحب حلم رسول الهی و علم علی حسن روی حسن و عفت زهرا داری در شجاعت چو حسین بن علی بی‌بدلی آنچه اجداد تو دارند تو تنها داری موسی از جانب سینا به عبادت می‌رفت تو به محراب دعا سینه‌ی سینا داری حکم تسلیم تو را کرد گرفتار خسان ورنه هم قدرت و هم دست توانا داری در شگفتم که چرا با دم روح القدس خود تو بیماری و حاجت به مداوا داری زشرار ستم و سوز تب و شعله‌ی غم داغها بر دل و آتش به سراپا داری مگر ای عابد بیمار خلیل الهی که در این آتش افروخته مأوا داری [صفحه ۱۸۱] ای که از خاک رخت چشمه‌ی حیوان جاری است لب عطشان ز چه اندر لب دریا داری بسترت ناقه‌ی عریان شده سهل است چرا هم به گردن غل و هم سلسله بر پا داری تا چو زینب به کنار تو پرستاری هست خود ز بیماری جانکاه چه پروا داری مؤید [صفحه ۱۸۲]

کرامات و معجزاتی از امام سجاد علیه السلام

معجزه‌ی حضرت سجاد درباره‌ی مرد بلخی

مردی پارسا از بزرگان بلخ بیشتر سالها به زیارت خانه خدای و قبر مقدس رسول خدای صلی الله علیه و آله می‌رفت و چون به مدینه رسیدی، ادراک خدمت علی بن الحسین علیه السلام کردی و تحف و هدایا در حضورش بردی و مصالح دین و مذهب و مسائل آیین سؤال کردی و به شهر و بلاد خویش مراجعت نمودی. روزی زنش به وی گفت: تو مکرر هدیه برای امام سجاد علیه السلام

می‌بری لکن هرگز از آن حضرت اظهار عنایتی نمی‌شود. مرد گفت: این بزرگوار که ما تقدیم هدایا و تحف به حضورش می‌کنیم، مالک دنیا و آخرت است و هر چه در دست مردم است، در تحت ملک اوست؛ چه، او در زمین خلیفه‌ی خدای و بر آفریدگان خدای حجت خداست و پسر رسول خدای و امام و مولا- و پیشوای ماست. [صفحه ۱۸۳] چون آن زن این مکالمات بشنید، از ملامت شوهر زبان بربست. چون سال دیگر فرارسید، پارسای بلخی به آهنگ حج برنشست و در مدینه به سرای علی بن الحسین علیه‌السلام در آمد و خدمتش دریافت و سلام باز داد و هر دو دست مبارکش ببوسید. و در این وقت طعام حاضر بود، پس به اشارت آن حضرت مرد بلخی از آن طعام بخورد و پس از صرف طعام، تشنه و ابریق بیاوردند و مرد بلخی ابریق بر گرفت و آب بر دست مبارک حضرتش بریخت. امام فرمود: ای شیخ، همانا تو میهمان ما باشی، چگونه این کار کنی؟ عرض کرد: به خواهش دل. فرمود: چون تو این کار دوست داری، سوگند به خدای با تو چیزی نمایم که محبوب بداری و خشنود شوی و دیدگانت روشن گردد. بالجمله آن مرد آب بر دست مبارک امام همی بریخت تا یک ثلث تشنه مملو گردید. امام به آن مرد فرمود: چه می‌بینی در لگن؟ عرض کرد: آب است. فرمود: «بلکه یاقوت احمر است.» و آن مرد بدید که آب یاقوت احمر شده است. آنگاه فرمود: همچنان آب بریز. آن مرد دیگر باره آب بریخت تا دو ثلث تشنه را مملو گردانید. حضرت فرمود: این چیست؟ عرض کرد: آب است. امام فرمود: بلکه زمرد سبز است. و همچنان فرمود آب بریزد. او بریخت تا تشنه به تمامت مملو گردید. فرمود: چیست این؟ عرض کرد: آب است. حضرت فرمود: بلکه مروارید رخشان است. و چون آن مرد نگران گشت، آن آب به امر خدای تعالی در ایض و آن تشنه از در و یاقوت و زمرد شد. پارسای بلخی از مشاهدت این حالت سخت در عجب ماند و خود را بر دو دست آن حضرت افکند و همی بوسید. آنگاه امام [صفحه ۱۸۴] فرمود: ای شیخ، چیزی نزد ما نبود که تلافی هدایای گذشته‌ی تو را بکند. اکنون این جواهر بر گیر و این عوض هدیه‌ی توست و از زوجه‌ی خویش از طرف ما معذرت بخواه که تو را بر کردار خود سرزنش کرده بود. مرد بلخی از این کلام شرمسار شد و سر به زیر افکند و عرض کرد: یا سیدی، کدام کس تو را از سخن زوجه‌ی من خبر داد؟ همانا بدون شک تو از اهل بیت نبوت هستی. آنگاه با آن حضرت وداع کرد و جواهر را بر گرفت و به سوی زوجه‌ی خود رفت و قضیه را نقل کرد. زن گفت: کدام کس از این حدیث به آن حضرت خبر داد؟ گفت: با تو گفتم که آن حضرت از بیت علم و آیات باهرات است. آن زن سجده‌ی شکر بگذاشت و شوهر را به خدا سوگند داد که در سال آینده او را نیز به زیارت امام علیه‌السلام نایل گرداند و از دیدار طلعت مبارکش برخوردار سازد. چون مرد بلخی سال دیگر تجهیز سفر حج نمود، آن زن را نیز با خود ببرد. از اتفاق در بین راه آن زن بیمار شد و در یک منزل به مدینه مانده وفات نمود. شوهرش گریان و نالان خبر مرگ او را به امام عرض کرد و گفت که آن زن به قصد زیارت آن حضرت و جدش رسول خدا بیرون شده بود. امام زین‌العابدین برخاست دو رکعت نماز به جای آورد و دعایی بخواند. آنگاه روی به آن مرد کرد و فرمود: برخیز و نزد زوجه‌ی خویش برو. همانا خدای تعالی که به قدرت و حکمت خویش استخوانهای پوسیده را زنده می‌گرداند. او را زنده فرمود. آن مرد خوشحال شتابان بازگشت. گاهی باور داشتی و گاهی قبول نمی‌کردی تا به خیمه‌ی خویش در آمد و زوجه‌ی خویش را در حالت صحت و سلامت، نشسته یافت. پس بر سرور و عقیدت بیفزود و از گزارش پرسش نمود. زن گفت: سوگند به خدای، ملک‌الموت به سوی من آمد و روح مرا قبض کرد و [صفحه ۱۸۵] خواست بالا- برد، در این وقت بزرگواری به این صفات و فلائح صورت و هیئت (همی از اوصاف شریفه‌ی حضرت برشمرد و شوهرش گفت: «آری به راستی گویی، این است صفت سید و مولای من علی بن الحسین علیه‌السلام») وارد شد. چون ملک‌الموت آن حضرت بدید، بر قدمهای مبارکش بیفتاد و همی بوسه بر نهاد و عرض کرد: «السلام علیک یا حجة الله فی ارضه السلام علیک یا زین‌العابدین». امام علیه‌السلام جواب او را بازگفت و فرمود: «ای ملک‌الموت، روح این زن را به جسدش بازگردان؛ چون او آهنگ زیارت ما را داشت و من از خدای بخواستم که سی سال دیگر او را زنده بدارد و به خوشی روزگار سپارد به سبب قدم او بر ما برای زیارت ما؛ چه، برای زائر ما حقی است واجب». ملک‌الموت عرض کرد: «سمعا و طاعة لک یا ولی

الله». پس روح مرا به جسد بازگردانید و من نگران ملک‌الموت بودم که دست شریفش را ببوسید و بازگشت. پس مرد بلخی دست زوجه‌اش را بگرفت و او را به خدمت امام علیه‌السلام برد که در این وقت در میان اصحاب جلوس فرموده بود. آن زن بر قدمهای مبارکش بیفتاد و بوسه نهاد و همی گفت: سوگند به خدای، این است سید و مولای من. این همان کس است که خدای تعالی از برکت دعای او مرا زنده ساخت و فرمان داد تا ملک‌الموت جانم را به تنم بازگرداند. پس هر دو تن در مدینه‌ی طیبه در خدمت علی بن الحسین علیه‌السلام به خوشی روز و سعادت روزگار بماندند تا به دیگر سرای شدند رحمه الله علیهما. [۱]. داغ پدر تنها نه خون به داغ پدر از بصر گریست هر جا که آب دید به یاد پدر گریست [صفحه ۱۸۶] چون دید گوسفند ذبیحی به هر کجا آهی کشید و سخت ز سوز جگر گریست از داغ جانگداز شهیدان کربلا هم در حضر گریست و هم در سفر گریست با یاد تشنه‌کام شهید لب فرات از صبح تا به شام و ز شب تا سحر گریست چون شمع در مصیبت یاران خویشتن هر جا نشست سوخت به هر رهگذر گریست «مژده» ندید همچو علی چشم روزگار یک عمر در عزای پدر چون پدر گریست مصطفی قمشه

گریه‌ی امام سجاد

ابن قولویه و ابن شهر آشوب و دیگران از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده‌اند که جناب علی بن الحسین علیه‌السلام بر پدر بزرگوارش بیست سال و به روایتی چهل سال گریست و هر گاه طعامی نزد او حاضر می‌کردند، می‌گریست. چون آبی به نزد او می‌آوردند، آن قدر می‌گریست که آن آب را مضاعف می‌کرد. پس یکی از غلامان آن جناب گفت: فدای تو شوم یا بن رسول الله، می‌ترسم که تو خود را هلاک کنی و گناهکار شوی. حضرت فرمود: انما اشکوا بئنی و حزنی الی الله و اعلم من الله ما لا تعلمون. [۲]. شکایت می‌کنم درد و اندوه خود را به خدا، و من می‌دانم از خدا آنچه شما نمی‌دانید. [صفحه ۱۸۷] پس فرمود: هیچ وقت به خاطر نمی‌آورم کشته شدن فرزندان فاطمه را مگر آنکه گریه راه گلوی مرا می‌گیرد. از بسیاری گریه‌ی آن حضرت یکی از آزاد کرده‌های آن حضرت گفت: آیا وقت آن نشده است که گریه‌ی تو آخر شود؟ حضرت فرمود: وای بر تو! حضرت یعقوب دوازده پسر داشت و یک پسر او ناپیدا شد و از بسیاری گریه دیده‌های او سفید شد و از وفور غم و اندوه پشت او خم شد با آنکه می‌دانست او زنده است، و من دیدم پدر و برادران و عموها و هفده نفر از خویشان خود را که در برابر من و بر دور من آنها را کشتند و سر بریدند. پس چگونه اندوه من به نهایت رسد؟ [۳].

وفات امام سجاد

در وفات آن حضرت اختلاف بسیار است و مشهور آن است که در یکی از سه روز بوده: دوازدهم یا هجدهم یا بیست و پنجم محرم سال نود و پنج یا نود و چهار هجری. در مدت عمر شریف آن حضرت نیز اختلاف است ولی اکثر پنج‌جاه و هفت سال گفته‌اند. امام سجاد علیه‌السلام بعد از امام حسین علیه‌السلام سی و پنج سال زندگانی کرد. از اخبار معتبره که بر وجه عموم وارد شده ظاهر می‌شود که آن حضرت را به زهر شهید کردند. ابن بابویه و جمعی را اعتقاد آن است که ولید بن عبدالملک آن حضرت را زهر داده و بعضی هشام بن عبدالملک را گفته‌اند. [۴].

وصیت امام سجاد به امام باقر

از امام باقر علیه‌السلام روایت شده است که فرمود: چون پدرم را وقت [صفحه ۱۸۸] وفات رسید، مرا به سینه‌ی خود چسبانید و فرمود: ای فرزند گرامی، تو را وصیت می‌کنم به آنچه وصیت نمود مرا پدرم در هنگام شهادت خود، و فرمود پدرش او را وصیت نموده بود به این وصیت در وقت وفات خود که: «زنهار ستم مکنید بر کسی که یآوری بر تو به غیر از خدا نداشته باشد». [۵].

تشیع جنازه‌ی آن بزرگوار

وقتی که حضرت زین العابدین علیه السلام از دنیا رفت، شهر مدینه از مصیبت آن بزرگوار غرق دریای صیحه گردید. زن و مرد، سیاه و سفید، صغیر و کبیر در عزای آن حضرت گریان و نالان شدند. آثار غم و اندوه از زمین و آسمان ظاهر و پدیدار شد. ابونعیم اصفهانی که از نویسندگان اهل تسنن به شمار می‌رود، در کتاب حلیه الاولیاء می‌نویسد: وقتی که حضرت امام زین العابدین از دنیا رفت و مشغول غسل دادن آن بزرگوار شدند، نظرشان به آثار سیاهی که در پشت آن حضرت بود افتاد و از علت آن پرسیدند. معلوم شد که این سیاهی در اثر انبانی است که شبها این بزرگوار به دوش می‌گرفت و آرد و نان و غذا برای فقرای مدینه می‌برد. [۶]. هنگامی که جسد نازنین آن امام بزرگوار را در مغسل نهادند، بر پشت شانه‌های مبارک اثر انبانه‌های طعام و مشکهای پر از آب که بر دوش کشیده بود، نمایان بود. قریب سیصد خانواده از مستحقین و فقرا و ایتم را از جهت آب و نان و غذا اداره می‌کرد که نمی‌توانستند چه کسی شبها برای آنها غذا و آب می‌آورد. پس از رحلت آن بزرگوار وقتی آن اثرات را در پشت بدن مبارک دیدند، فهمیدند که علی بن الحسین علیه السلام شبها برای آنها آب و غذا [صفحه ۱۸۹] می‌آورده است. [۷]. چون آن حضرت وفات نمود، پس از غسل و کفن، همه‌ی مردم در تشیع حاضر شدند و همگی آن حضرت را به خیر و نیکی یاد می‌کردند و جمع مردم از پی جنازه بیرون رفتند تا آن را به محل دفن فرود آوردند. [۸].

مرثیه

خاک بقیع تا بدنش را به برگرفت در ماسوی شراره‌ی جانسوزتر گرفت تا دفن شد امام چهارم در آن حریم گفتمی مدینه کربلا را به برگرفت او بود کربلای مجسم که سالها الفت به اشک دیده و خون جگر گرفت این است آن پسر که به دامان قتلگاه بوسه ز حلق غرقه به خون پدر گرفت رنج اسارت ارچه فزون از شهادت است او را خدای خواست که این راه برگرفت آن نیمه جان که ماند برایش ز کربلا از شعله‌های زهر دوباره شرر گرفت در غم نشست حضرت باقر از این عزا داغ پدر قرار ز جان پسر گرفت شد آن حریم قبله‌ی دل‌های عاشقان خاک بقیع تا بدنش را به برگرفت مؤید

ناقه‌ی حضرت امام زین العابدین

مسعودی در کتاب اثبات الوصیه می‌نگارد وقتی که حضرت زین العابدین علیه السلام از دنیا رفت، ناقه‌ی آن بزرگوار به جانب بقیع خارج شد، گردن خود را بر قبر آن حضرت می‌زد و اشک از چشمانش جاری بود. حضرت امام باقر [صفحه ۱۹۰] علیه السلام شخصی را فرستاد تا آن ناقه را به جای خود برگردانید. آن حیوان برای دومین بار به طرف بقیع رفت. این عمل سه مرتبه انجام گرفت، بالاخره بالای قبر حضرت علی بن الحسین علیه السلام توقف کرد تا از دنیا رفت. امام باقر علیه السلام دستور داد تا گودالی کنند و آن ناقه را دفن نمودند. محدث قمی می‌نویسد: حضرت امام زین العابدین علیه السلام بیست و دو مرتبه بر آن ناقه سوار شد و به حج رفت بدون اینکه یک تازیانه به آن حیوان بزند. [۹].

ثواب زیارت امام زین العابدین

هر کس امام زین العابدین علیه السلام زیارت کند، گناهانش آمرزیده می‌شود و هرگز فقیر نمی‌شود. [۱۰].

طیب خلق

آنچه با یک خطبه در شام بلا بیمار کرد کی تواند صد شهید راه حق این کار کرد؟ آنچه با خورش پدر کردی پسر با اشک خویش واژگون کاخ ستم را با ستم کردار کرد هان مخوان بیمار او را ز آنکه تنها چند روز حق برای حفظ نسل حجتش تبار کرد [صفحه ۱۹۱] صورتا بیمار و در معنی طیب درد خلق کو دعایش را خدا داروی هر بیمار کرد ز آن «انا ابن المکه» اش شام و عراق و مصر و روم درک حقانیت بابش شه ابرار کرد وز «انا ابن الزمزم» اش آبی به روی خفتگان برفشاند و غافلان را تا ابد بیدار کرد شد اسیر و حکم آزادی انسان را به دهر داد و خوش با اشک و خون امضای جوهردار کرد شیر در زنجیر پولادین و سگ با طوق زر مرگ و زندان را خدا شایسته‌ی احرار کرد آن چهل سالی که بعد کربلا خوشدل بزیست انقلاب باب را جاوید فی الاعصار کرد خوشدل [صفحه ۱۹۲]

احادیثی از امام سجاد علیه السلام

۱ و الذنوب التي تعجل الفناء قطیعة الرحم و اليمين الفاجرة و الاقوال الكاذبة و الزنا و سد طرق المسلمين و ادعاء امامة بغير حق. [۱۱]. گناهانی که مرگ را جلو می‌اندازد عبارتند از: ۱) قطع رابطه با فامیل و ارحام، ۲) سوگند دروغ، ۳) سخنان دروغ، ۴) عمل زنا، ۵) بستن راه مسلمین و آزار آنها، ۶) ادعای امامت کردن در حالی که دروغ و غیر حقیقت است. ۲) قیل لعلی بن الحسین علیه السلام کیف اصبحت یابن رسول الله قال اصبحت مطلوباً بثمان الله تعالی یطلبنی بالفرائض و النبی [صفحه ۱۹۳] بالسنه و العیال بالقوت و النفس بالشهوة و الشیطان باتباعه و الحافظان بصدق العمل و ملک الموت بالروح و القبر بالجسد فانا بین هذه الخصال مطلوب. [۱۲]. از امام سجاد علیه السلام سؤال شد: ای پسر رسول خدا، چگونه صحیح کردی؟ حضرت فرمود: صحیح کردم در حالی که با هشت طلبکار روبرو هستم: ۱) خداوند تعالی که انجام واجبات را از من طلب می‌کند، ۲) پیامبر اکرم که رعایت سنتش را از من می‌خواهد، ۳) عائله‌ی من (زن و بچه) که احتیاجات خود را از من طلب می‌کند، ۴) نفس سرکش که از من لذت می‌خواهد، ۵) شیطان که مرا به تبعیت خود فرا می‌خواند، ۶) مأموران الهی که از من عمل نیکو و صحیح می‌خواهند، ۷) عزرائیل که روح مرا می‌خواهد ۸) قبر که جسد مرا می‌طلبد. و من به تنهایی مورد درخواست و طلب اینها هستم. ۳) قال علی بن الحسین علیه السلام لبعض بنیه یا بنی انظر خمسة فلا تصاحبهم و لا تحادثهم و لا ترافقهم فی طریق فقال یا ابة من هم قال ایاک و مصاحبة الکذاب فانه بمنزلة السراب یقرب لک البعید و یبعد لک القریب و ایاک و مصاحبة الفاسق فانه بایعک باکله او اقل من ذلک و ایاک و مصاحبة البخیل فانه یخذلک فی ماله احوج ما تكون الیه و ایاک و مصاحبة الاحمق فانه یرید ان ینفعک فیضرک و ایاک و مصاحبة القاطع لرحمه فانی وجدته ملعوناً فی کتاب الله. [۱۳]. امام زین العابدین علیه السلام به یکی از فرزندان خود فرمود: پسر جان، [صفحه ۱۹۴] با پنج کس همنشین نکن، و به گفتگو منشین و با آنها همسفر نشو. عرض کرد: پدر جان، آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: ۱) دروغگو که همچون سراب (فریبنده) دور را نزدیک و نزدیک را دور می‌نماید، ۲) فاسق که تو را به لقمه‌ای یا کمتر بفروشد، ۳) بخیل که در مواقع حاجت تو را وانهد، ۴) احمق که چون خواهد نفعی بخشد زیان رساند، ۵) آن که از خویشان بریده که من در قرآن او را ملعون یافتم.

پاورقی

[۱] ناسخ التواریخ، جلد امام سجاد (ع)، ص ۲۲۲.

[۲] یوسف / ۸۶.

[۳] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۸۰ به نقل از جلاء العیون، ص ۸۳۷.

[۴] منتهی الآمال، ج ۲، ص ۹۲.

- [۵] جلاء العیون، ص ۸۴۰.
- [۶] ستارگان درخشان، ج ۶، ص ۶۱.
- [۷] منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۷ به نقل از زندگانی چهارده معصوم، عمادزاده.
- [۸] منتهی الآمال، ج ۲، ص ۹۷.
- [۹] ستارگان درخشان، ج ۶، ص ۶۲.
- [۱۰] بحارالانوار، ج ۲۲، باب زیارات.
- [۱۱] معانی الاخبار، ص ۲۷۱.
- [۱۲] بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۶۹.
- [۱۳] تحف العقول.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید / حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
 به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

